

تبیین جایگاه غنای حسی در خلق مکان

هانیه جعفری خالدی: دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
hanieh_jafari@arch.iust.ac.ir

چکیده

امروزه در بسیاری از طرح‌های معماری و شهرسازی شاهد سیطره کمیت‌گرایی و عدم توجه کافی به خلق فضاهایی انسان محور و مکان‌هایی مبتنی بر نیازها و انگیزش‌های انسانی هستیم. این درحالی است که مطالعات بسیاری نشان از اهمیت توجه به نیازها و مکانسیم‌های انسانی دارد. یکی از این مکانسیم‌ها، حواس انسان است؛ این حواس در پیچه ارتباط انسان با محیط اطراف شناخته می‌شوند که عدم توجه به آنان موجب آسیب‌های بسیاری از جمله نبود حس تعلق برای کاربران و از بین رفتن مکان و معنا می‌گردد. فلذا، این نوشتار با هدف پاسخ به سوال "جایگاه غنای حسی در خلق مکان چیست؟" با رویکردی کیفی و بهره‌گیری از استدلال منطقی، با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، بررسی و مطالعه منابع مکتوب داخلی و خارجی و بیان، تحلیل و تفسیر به نگارش درآمده است. یافته‌های نوشتار حاضر بیانگر آن است که غنای حسی در پنج مولفه غنای حسی، غنای بینایی، غنای شنوایی، غنای لامسه یا بساوی و غنای چشایی در سه بعد مولفه‌های مکان: خصوصیات فیزیکی، فعالیت و تصورات قابل تبیین است که نهایتاً این پژوهش برای هریک از شاخص‌های عنوان شده، مولفه‌هایی را پیشنهاد می‌دهد که در هر بستر خاص، مطابق با خصوصیات آن می‌تواند، شکل و ظاهری منحصر به فرد خود را داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: غنای حسی، خلق مکان، مکان، حواس



مقدمه

انسان به عنوان کاربر فضای معماری که در ارتباط با محیط است و در رابطه ای متقابل از آن تاثیر می‌گیرد همواره مورد توجه بوده است تا از طریق شناخت انسان، قوا و محدودیت‌های او بتوان محیطی متناسب با نیاز و خواسته‌های او خلق کرد. در حقیقت، یکی از مهم‌ترین خصوصیات در ارزیابی محیط انسان ساخت، کیفیت آن‌ها است، این کیفیت نقشی موثر در میزان مطلوبیت محیط دارد. (رفیعیان و دیگران، ۲۰۱۲، ۱۵) چراکه در فرایند ادراک انسان از محیط، بخش عمده‌ای از شناخت و تماس ما با دنیای بیرون از طریق حواس صورت می‌گیرد. (یاشار اصلانیان، حسین ذبیحی و کمال رهبری منش، ۱۳۹۷، ۲۴) بنابراین غنای حسی را می‌توان عاملی تاثیرگذار در ارتقا کیفیت دانست؛ به بیانی، به همان میزان که درگیری اندام‌های حسی بیشتر شود، فضا، تاثیرگذارتر، ادراک فضا دقیق‌تر و کامل‌تر و احتمال خاطره‌انگیزی و جذابیت فضایی بیشتر می‌شود (لطفی و زمانی، ۱۳۹۳، الف، ۶) لیکن در بیشتر طراحی‌های محیطی، شاهد اتکا صرف به حس بینایی و منسوخ شمردن سایر حواس دیگر انسانی هستیم، آنچنان که پالاسما بیان می‌دارد: سلطه حس بینایی و سرکوب شدن سایر حواس انسانی، موجب جدایی، انزوا و ظاهرگرایی می‌گردد. (یوهانی پالاسما، ۱۳۹۳) همچنین این امر در حالی اتفاق می‌افتد که گروه‌های از جامعه را معلولین و گروه‌های کم‌توان حسی تشکیل می‌دهند لذا با توجه به آنچه از اهمیت موضوع عنوان شد، این نوشتار برآن است تا با واکاوی مباحث ادراک و بررسی وجوه غنای حسی در ابعاد گوناگون فضا و از سوی دیگر با شناخت مکان و خصوصیات آن، بتوان به مولفه‌هایی از خلق محیط دست یابد، تا با تعامل هرچه بیشتر انسان با محیط خود، بتواند رضایت‌مندی وی را افزایش دهد.

سوال و روش تحقیق

این پژوهش در پی پاسخگویی به سوال: "جایگاه غنای حسی در خلق مکان چیست؟" نگاشته شده است. بدین منظور، نوشتار حاضر با روش تحقیق کیفی و متکی بر استدلال منطقی، با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، بررسی و مطالعه منابع مکتوب داخلی و خارجی و بیان، تحلیل و تفسیر به نگارش درآمده است. پژوهش کیفی با تفسیر شرایط (لیندا گروت و دیوید وانگ، ۱۳۸۹، ۸۸) به پژوهشگر امکان تعامل می‌دهد تا بتوان با بهره‌گیری از روش‌های انعطاف‌پذیر، دغدغه مورد مطالعه را از دیدگاهی جامع را مورد بررسی قرار دهد. (نجلا حریری، ۱۳۹۰، ۵) در حقیقت در این نوع از پژوهش، محقق عنصری حیاتی شناخته می‌شود (لیندا گروت و دیوید وانگ، ۱۳۸۹، ۸۸)

پیشینه تحقیق

حواس را می‌توان در چرخه تعامل انسان با محیط دانست؛ فلذا نقش تاثیرگذار حواس در ادراک محیط، غیرقابل انکار است. با این وجود سابقه بحث علمی پیرامون ادراک انسان از محیط به حدود قرن هجدهم میلادی باز می‌گردد (سارا سوهانگیر و محمدرضا نصیرسلامی، ۱۳۹۶، ۴۹۵) اهمیت این موضوع تا جایی است که یوهانی پالاسما بیان می‌دارد، می‌توان معماران را بر اساس تاکیدی که بر کیفیات ادراکات حسی دارند از یکدیگر متمایز ساخت (یوهانی پالاسما، ۱۳۹۳) لیکن، به صورت کلی، غالب مطالعات در حوزه ادراک و تعامل انسان با محیط به مباحث ادراک بصری از محیط تمرکز کرده‌اند (یاشار اصلانیان و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۵) و تاثیر سایر حواس انسان در ارتباط و ادراک وی با محیط مغفول مانده است (روگ کورت گروت، ۱۳۸۸، ۱۴۹) از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مطالعات کالن (۱۹۵۹)، لینچ (Kevin Lynch، ۱۹۶۰)، روسی (Aldo Rossi، ۱۹۶۶) و فولیک و پروویچ (۲۰۰۳) اشاره نمود. از دیگر سو، از پژوهش‌هایی می‌توان یاد نمود که به سایر وجوه این موضوع پرداخته‌اند. در تحقیق هلیگن و هرسنس (Jasmien Hertsens and Ann Heylighen، ۲۰۱۲) بر حس لامسه انسان در ادراک محیط تمرکز شده است. در نوشتار کایماز (Isil Cakci Kaymaz، ۲۰۱۲) بیان شده است که به اندازه ادراک بصری، صوت و ادراک صوتی می‌توانند موثر واقع گردند. اس زس سی پانسکا (Magdalena Szczepeńska et al، ۲۰۱۳) بر اهمیت ادراک غیربصری و شناسایی منظرهایی در شهر با بهره‌گیری از حواس بویایی، شنیداری و لامسه پرداخته است. در بستر مطالعاتی حاضر می‌توان از پژوهش شاهچراغی (آزاده شاهچراغی، ۱۳۹۰) یاد نمود که تمرکز حواس انسان در باغ ایرانی را مورد بحث قرار می‌دهد و عنوان می‌دارد نظام کاشت، آب و ابنیه در باغ ایرانی، تماما در جهت غنای حسی همکاری می‌نمایند. در نوشتاری دیگر قلی پور گشنیانی (مصطفی قلی پور گشنیانی، ۱۳۹۳) از اهمیت زنده‌سازی فضاهای پیاده‌محور و شناخت کیفیات غیربصری همچنین استفاده مناسب از محرک‌های حواس انسان در محیط در جهت بازگرداندن زندگی مجدد به فضاهای پیاده بحث می‌نماید. در نهایت با توجه به عدم وجود پژوهشی که بتواند غنای حسی در محیط و جایگاه آن در خلق مکان را مورد بررسی قرار دهد، این نوشتار به رشته تحریر درآمد و در ادامه به بحث و واکاوی مباحث عنوان شده می‌پردازد.

۱- مبانی نظری
۱-۱. ادراک و مبانی حواس

ادراک در لغت به معنای فهم، تعقل، بر رسیدن، دریافتن اشیا غیر محسوس عنوان شده است (علی اکبر دهخدا، ۱۳۲۵). در فرایند ذهنی ادراک (محمود ایروانی و محمدرکیم خدایپناهی، ۱۳۷۱، ۲۵) مغز انسان، اطلاعات شنوایی، بینایی، لامسه، بویایی را بایکدیگر درهم می‌آمیزد تا به دریافتی یکپارچه که مدنظر فرایند ادراک است برسد (جهان‌شاه پاکزاد و حمیده بزرگ، ۱۳۹۱، ۱۰۵-۱۰۹). در این فرایند، انسان معانی اشیا و روابط آنان را درمی‌یابد و برای او، تجارب حسی معنی‌دار می‌شود (محمود ایروانی و محمدرکیم خدایپناهی، ۱۳۷۱، ۲۵). افراد نه تنها دریافت‌کننده ایستای محیط نیست، بلکه او محرک‌های محیطی را انتخاب کرده و تفسیر و تاویل آنان می‌پردازد. (A Johnson، ۲۰۰۹، ۹۵).

در معماری، هر تجربه بساوابی چند حسی است؛ انسان کیفیات ماده، فضا و مقیاس را بصورت یکسان با گوش، چشم، بینی، زبان، پوست، کالبد و عضلات خود می‌سنجد؛ (یوهانی پالاسما، ۱۳۹۲، ۵۴) به بیانی انسان نه تنها نظاره‌گر فضا است بلکه آن را لمس می‌کند، می‌شنود، می‌بوید و حتی می‌چشد (محمدرضا شیرازی، ۱۳۸۹، ۱۲۷) درحالی که در فرهنگ تکنولوژیک امروز، لامسه و بینایی انسان به عنوان ادراکات حسی برتر و سه حس دیگر به عنوان ادراکات منسوخ معرفی می‌شوند (یوهانی پالاسما، ۱۳۹۳، ۱۳-۲۶). گرچه هر ارگان وظیفه اختصاصی خود را دارد و استفاده آن‌ها همزمان با یکدیگر نیست، لیکن انجام فرایند ادراک منوط به همکاری اندام‌های مختلف شناخته می‌شود (روگ کورت گروت، ۱۳۸۸، ۲۳) تنها معماری می‌تواند تمام حواس و پیچیدگی‌های ادراکی انسان را برانگیخته و درگیر نماید؛ تمام حواس در یک تجربه پیچیده و بدون کلام، در سکوتی محض پدیده‌های ادراکی با انسان سخن می‌گویند (استیون هال، یوهانی پالاسما و آلبرتو پزگومز، ۱۳۹۴، ۳۹)

۱-۲. غنای حسی

ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م)، نخستین شخصی بود که حواس را در پنج دسته شنوایی، بینایی، چشایی، بویایی و لامسه طبقه‌بندی نمود. انسان ناگزیر در تعامل با محیط بسر می‌برد، زمانی که در خیابانی قدم می‌زنیم، پوستمان وزش باد را استشمام می‌کند، گوشمان سروصدای خودروها، مغازداران و همه‌همه عابران را می‌شنود،

دهانمان، طعم شکلاتی را می‌چشد، با چشمانمان، به خیابان و ساختمان‌ها می‌نگریم؛ در این زمان اطلاعات بسیاری را از محیط دریافت می‌کنیم. (سارا سوهانگیر و محمدرضا نصیرسلامی، ۱۳۹۶، ۴۹۸) در حقیقت، بر اساس آستانه‌های ظرفیت حسی، توسط حواس پنجگانه، اطلاعات دریافت می‌شود و بگونه‌ای تبدیل می‌شود که قابل انتقال به مغز باشد. به بیانی، مرحله احساس از دریافت اطلاعات تا انتقال به مغز، بدون دربردارندگی تجزیه و تحلیل و اعمال مغز بر روی اطلاعات باشد را شامل می‌شود. (جهانشاه پاکزاد و حمیده بزرگ، ۱۳۹۱، ۶۱)

محیط با رویکرد حواس جایی است که می‌توان آن را بویید، چشید، شنید، دید و حتی لمس کرد. نوعی از فضا که به تمامی کنشگران و کاربران با خصوصیات و توانایی‌های متفاوت متعلق است. (ساناز حق شناس، مهناز محمودی زرنندی و نسیم خالو، ۱۳۹۹، ۶۲) در واقع، با افزایش غنای حسی محیط با به‌کارگیری تمامی حواس انسان، با انگیزه ایجاد جذابیت و شمولیت برای تمامی اقشار، گروه‌های جنسی و سنی و همچنین افراد کم توان ادراکی همچون ناشنویان، نابینایان و معلولان ایجاد می‌شود که هدف نهایی آن غنای حواس در محیط است (آزاده شاهچراغی و علیرضا بندرآباد، ۱۳۹۴، ۱۷۳). از جمله مولفه‌های محیط با رویکرد حواس را می‌توان، مینیمالیسم حسی، همبستگی حواس و ادراک، قدرت تخیل، منظر حسی و چندآوایی در ادراکات حسی دانست (همان)

غنای حسی، همان تنوع تجربیات حسی است که موجب ایجاد لذت در استفاده‌کننده می‌شود (ساناز حق شناس و دیگران، ۱۳۹۹، ۶۲) در چنین محیطی، اشیا دیده و لمس می‌شوند، صداها شنیده می‌شوند، بوها استشمام می‌شوند و بدین ترتیب تجربه‌های حسی-عاطفی متنوعی در وجود انسان شکل می‌گیرد (لطفی و زمانی، ۱۳۹۳، ۴۴) به بیانی، تجربه انسان از طریق کانال حواس پنجگانه صورت گرفته و کیفیتی ایجاد می‌گردد که تحت عنوان غنای حسی شناخته می‌شود (زهره صداقت، ۱۳۹۶، ۷۳)

جدول ۱: غنای حسی از منظر صاحب‌نظران (ماخذ: نگارنده)

صاحب‌نظران	دیدگاه
موريس مرلوپونتي (موريس مرلوپونتي، ۱۳۹۱)	کلیه حواس را به صورتی واحد به عنوان یکی از اصول مورد توجه پدیدارشناسی در نظر گرفته شود.
يان بنتلي (ای بن بنتلی و دیگران، ۱۳۸۲)	پرداختن به حواس غیربصری عاملی تاثیرگذار در محیط با کیفیت غنای حسی شناخته می‌شود
مونیکا دگان (Monica Montserrat Degen, ۲۰۰۸)	در توصیف و تبیین لایه‌بندی و همپوشانی و همچنین حضور همزمان تجارب حسی متعدد در فضاهای شهری از عبارت «منظر حسی» بهره می‌گیرد که برگرفته از «منظر بویایی» است که اولین بار توسط پورتوس استفاده گردید.
یوهانی پلاسما (یوهانی پلاسما، ۱۳۹۳)	وابستگی صرف بر بینایی را برای ادراک جهان مردود می‌داند و تاکید بر پیوند میان فضا و انسان به واسطه کلیه محرک‌های حسی دارد.
پاول روداوی (Paul Rodaway, ۲۰۰۲)	با معرفی مفهوم «جغرافیای حسی»: از ساختار بدن انسان به عنوان یک سیستم موقعیت‌یاب عمومی با تکیه بر چهار گروه حس اصلی شنوایی، بینایی، لامسه و بویایی یاد می‌کند.

بنابر آنچه در جدول فوق اشاره گردید، صاحب‌نظران متعددی سعی در پرداختن به موضوع ادراکات حسی در گروه‌های مختلفی دارند؛ لیکن آنچه اهمیت دارد لزوم یکپارچه‌سازی تمامی حواس اعم از بصری و غیربصری در محیط می‌باشد (زهره صداقت، ۱۳۹۶، ۷۶) بنابراین این نوشتار با مبنا قرار دادن دسته‌بندی عام و رایجی که نخستین بار توسط ارسطو معرفی شد به تبیین موضوع می‌پردازد.

۳-۱. غنای حس بینایی

بینایی توانایی تشخیص و فهم بصری پدیده‌ها در محیز اطراف انسان است. از میان تمامی حواس، بیشترین ارتباط انسان با محیط، بر عهده حس بینایی قرار دارد. (جهانشاه پاکزاد و حمیده بزرگ، ۱۳۹۱، ۶۵) نور را می‌توان نقطه شروع بینایی و فعال‌کننده سیستم بینایی دانست. و زمانی برای افراد مطلوبیت ناشی از حس بینایی ایجاد می‌گردد که انسان بتواند از رنگ‌ها، فرم‌ها و بافت‌های متنوع در محیط بهره‌مند شود (Degen Monica Montserrat, ۲۰۰۸، ۴۷) بنتلی غنای حس بینایی را وابسته به وجود تضادهای بصری متعدد می‌داند و بیان می‌دارد با افزایش تعداد عناصر شاخص تا حدی معین، غنای حسی افزایش می‌یابد. (ای بن بنتلی و دیگران، ۱۳۸۲، ۲۷۰-۲۶۹) در حقیقت، طراح فضا باید در بهره‌گیری از محرک‌های بصری بسیار خیره باشد و بتواند توسط دیگر محرک‌های حسی، ارتباط بصری را تشدید نماید؛ در غیراینصورت ادراک حاصل شده، ادراکی ضعیف خواهد بود. (جان مائلاک، ۱۳۷۹، ۲۵۳). لیکن باید در بهره‌گیری از این امر بسیار محتاطانه عمل شود تا موجب اغتشاش بصری در محیط نگردد (زهره صداقت، ۱۳۹۶، ۷۶).

۴-۱. غنای حس بویایی

بو یکی از اولیه‌ترین و مهم‌ترین عناصر در کیفیت فضاها می‌باشد (یاشار اصلانیان و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۹) حس بویایی عواطف انسان را برمی‌انگیزد و بطور مستقیم تخیل و ادراک انسان را درگیر می‌نماید (همان) بوی مطلوب در افزایش رضایت کاربران موثر است. رایحه‌ها موجب یادآوری خاطرات می‌شوند (جهانشاه پاکزاد و حمیده بزرگ، ۱۳۹۱) و به همین دلیل، غنای حس بویایی در محیط از فاکتورهای بسیار بااهمیت در ایجاد حس تعلق به مکان شناخته می‌شود (زهره صداقت، ۱۳۹۶، ۷۶). در حقیقت حس بویایی عاملی اصلی در برانگیختن خاطرات خاص مکان‌ها می‌باشد و این امر معمولاً ناشی از اشیا معین و بویی مشخص است که به مکانی خاص تعلق دارند (Lih-Rong Chiou, ۲۰۱۰، ۱۱)

۵-۱. غنای حس شنوایی

پلاسما معتقد است حس شنوایی موجب پی‌ریزی تجربه و درک فضا می‌شود (یوهانی پلاسما، ۱۳۹۳، ۶۲) در حقیقت محرک‌های صوتی، هوای اطراف خود را به نوسان درمی‌آورند و موجب تغییر فشاری که ایجاد می‌شود به گوش ما می‌رسد (مک اندرو و فرانسسیس تی، ۱۳۸۷، ۹۴) زمانی که یک شخص در منظر صوتی قرار می‌گیرد، بخشی از یک سیستم پویای تبادل اطلاعات محسوب می‌گردد. یکی از تاثرات اصلی صوت، ایجاد هویت برای فضاست، در حقیقت، صدای یک مکان، نشانه‌ها و راهنماهای صوتی آن، بیانگر هویت یک جامعه است و به موازات لباس، آداب و رسوم و معماری بومی، به جهت وسعت زیستگاه‌های قابل شناسایی توسط منظر صوتی‌شان به کار روند (Peter Howard, Lan Thompson and Emma Waterton, ۲۰۱۳) هر شهر و فضایی صدای خود را دارد و به همین جهت هر فضایی به راحتی به واسطه صدای ویژه خود قابل شناسایی است (محمدرضا شیرازی و یوهانی پلاسما، ۱۳۹۱، ۳۹) این ویژگی به آسانی در راسته‌های مختلف بازارهای سنتی

قابل ادراک است. به عبارتی، در فضای معماری با غنی کردن محیط آوایی شادمانی در فضا بیشتر می‌شود و ترکیب آواها بیانگر تنوع فضایی و وضوح توالی پی‌درپی می‌باشد (پاشار اصلانیان و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۹)

۱-۶. غنای حس چشایی

مواد بودار علاوه بر آنکه گیرنده‌های بویایی انسان را تحریک می‌کنند، می‌توانند تحریک‌کننده گیرنده‌های چشایی انسان باشد و به همین دلیل احساس چشایی یک حس مرکب است (محمدکریم خداپناهی و محمود ایروانی، ۱۳۹۸، ۱۱۸) نمونه این امر را می‌توان در شهرهای مختلف شاهد بود. شهرها به دلیل دارا بودن چاشنی‌ها و اغذیه خاص خود دارای منظر چشایی منحصر به فرد خود هستند و به همین دلیل می‌توان عنوان نمود: منظر چشایی بیشترین سیاست‌های حسی را از نظر فرهنگی آشکار می‌نماید (Monica Monserrat Degen، ۲۰۰۸، ۴۶).

۱-۷. غنای حس لامسه یا بساوی

نخستین حسی که توسط آن با دنیای بیرون ارتباط برقرار می‌کنیم، لامسه است؛ صورت، لب‌ها، پوست، دست‌ها و پاها واسطه تماس دنیای بیرون و درون انسان است. (Monica Monserrat Degen، ۲۰۰۸) غنای حس لامسه از دو طریق پوست و چشم اتفاق می‌افتد، در حقیقت انسان از طریق پوست لامسه مستقیم و از طریق چشم با نگاه کردن به شیء همچون نگاه کردن به دیواری کاهگلی که حس لامسه تحریک می‌شود، لامسه غیرمستقیم را تجربه می‌نماید. به بیانی «لامسه در حقیقت مجاورت بدن انسان با جهان و مکاشفه‌ای دقیق از شکل، اندازه، وزن، دما، بافت و خصایص یک محیط است.» (John Meluso Jr، ۲۰۰۱، ۱۰۴) باید توجه داشت که تنوع حس لامسه همچون سایر حواس انسان موجب ارتقا غنای حسی فضای عمومی می‌شود. (جهانشاه پاکزاد و حمیده بزرگ، ۱۳۹۱)

۱-۸. مکان و خلق مکان

مکان و مفهوم آن در علوم مختلفی همچون معماری، شهرسازی، روان‌شناسی محیط، جغرافیا مورد بررسی قرار گرفته است. تعاریفی که گاهی بسیار مبهم و پیچیده بنظر می‌رسند. (علی دهکردی، ۱۳۹۰) (JD Sime، ۱۹۸۶) (J.W Creswell and V.L Planto Clarrk، ۲۰۱۱) در جدول ذیل به بررسی برخی از تاثیرگذارترین دیدگاه‌های این حوزه پرداخته شده است.

جدول ۲: مکان از منظر صاحب‌نظران (ماخذ: نگارنده)

دیدگاه	نظریه پرداز
مکان را می‌توان تجلی‌گاه عینی زیست جهان دانست؛ وی باور دارد مکان، پایداری و ثبات فضایی و زمانی زیست جهان است.	شولتز (کریستیان نوربرگ شولتز، ۱۳۸۱، ۳۱)
هویت یک مکان را در منحصربه‌فرد بودن آن نسبت به سایر مکان‌ها تعریف می‌کند. مبنای وی برای شناسایی ماهیت، جداگانه داشتن است.	لینچ (کوپن لینچ، ۱۳۷۲)
مکان یکی از چهار عنصر اصلی تعریف‌کننده فضا است. در ترکیبی با زمان، معنا، ارتباطات و محیط انسان‌ساخت شکل می‌گیرد. همچنین دلمشغولی یک فرد یا یک گروه با فضا به آن معنای مکان می‌دهد و حداقل موجب تمایز آن مکان با سایر مکان‌ها می‌شود.	راپاپورت (آموس راپاپورت، ۱۳۸۴)
مکان بخشی از فضا است که توسط شخص یا چیزی اشغال گردیده است. او مکان را مرکز ارزش می‌داند که با پایداری و امنیت، نیازهای زیستی انسان را برآورده می‌سازد.	گودال
مکان را به معنای وجود نقطه‌ای امن معرفی می‌کند که می‌توان از آن نقطه به جهان نگریست. اتصالی قوی که انسان را در موضعی با سایر اشیا مرتبط می‌سازد و دستیابی یا ارتباط دوانی و یا روحی با یک نقطه مشخص است.	رالف (E. Relph، ۱۹۷۶)
مکان، جایگاهی فیزیکی با تمام کیفیات اجتماعی و مکانی که به‌رغم پذیرا بودن تحول پیوسته، همچنان از کلیت مادی خود دفاع می‌کند و ارتباطات متقابل خود را در لحظه‌ای از زمان بازگو می‌دارد. هنگامی که فضا در متن اجتماعی و در فرایند تولید دیده می‌شود، می‌تواند هویت‌هایی چندگانه داشته باشد، با این وجود در شرایطی خاص استواری جای گیرد.	مدنی‌پور (علی مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ۲۰)

از دیگر سو، مدل‌های متعددی برای مکان ارائه شده است. مدل دیوید کانتر (دیوید کانتر، ۱۹۹۷) که در این پژوهش مبنا قرار گرفته است، متشکل از سه جز فعالیت، خصوصیات فیزیکی و تصورات می‌باشد یا مدل خلق مکان در فضاهای شهری (PPS) که متشکل از کاربری و فعالیت، راحتی و تصویرپذیری، دسترسی و ارتباط و قابلیت اجتماعی می‌باشد که هر یک شامل زیرمؤلفه‌های مخصوص به خود است. همچنین مونتگومری (J. Montgomery، ۱۹۹۸) مدل عوامل موثر در ساخت مکان‌های شهری را شامل سه عامل اصلی فرم، فعالیت و تصویر ذهنی می‌داند. در مدل رایموند وبر (۲۰۱۰) سه عنصر پیوند طبیعی، هویت مکانی و وابستگی مکانی و پیوند اجتماعی به عنوان عناصر اصلی شکل‌گیری دل‌بستگی مکان بیان می‌گردد.



نمودار ۱: مدل مکان کانتر (دیوید کانتر، ۱۹۹۷)

۲- نتیجه‌گیری

انسان به عنوان کاربر اصلی فضا محسوب می‌گردد؛ فلذا توجه به نیازها، مکانیسم و انگیزش‌های انسانی در طراحی محیطی، موجب ارتقا کیفیت فضایی، ایجاد و بهبود حس رضایت در کاربران می‌شود. یکی از تاثیرگذارترین مکانیسم‌های انسان حواس می‌باشد که موجب ارتباط دنیای درون و بیرون می‌شود. مطابق آنچه اولین بار ارسطو عنوان نمود، حواس انسان در پنج دسته اصلی قابل طبقه‌بندی می‌باشد. از طرفی دیگر مولفه‌های مکان در سه بعد خصوصیات کالبدی، فعالیت و تصورات دسته‌بندی می‌گردند، در پاسخ به سوال این نوشتار، می‌توان بیان نمود که غنای حسی در سه بعد خصوصیات فیزیکی، فعالیت و تصورات، با زیرمولفه‌های معین در محیط انسان‌ساخت، قابل تبیین است. در حوزه خصوصیات فیزیکی، کالبد باید بتواند بسترساز فرصت‌های متعدد به منظور درگیر نمودن حواس انسان باشد، در حیطه فعالیت می‌توان انتظار داشت کاربران از طریق انجام فعالیت‌های متنوع بتوانند درگیر شدن حواس خود با محیط و فعالیت را تجربه کنند و نهایتاً، مولفه‌های یاد شده در حوزه تصورات در هر پنج نوع غنای حسی، باید مطابق با حافظه ذهنی مخاطبان لحاظ گردند تا بتوانند تاثیرگذار باشند. لیکن باید خاطر نشان نمود، توجه و لحاظ چنین خصوصیات فضایی و افزایش سطح تعامل انسان و محیط از طریق درگیر نمودن حواس انسان، می‌تواند فرصتی برای خلق مکان و رضایت‌مندی کاربران از فضا محسوب شود.

جدول ۳: جایگاه غنای حسی در خلق مکان (ماخذ: نگارنده)

غنای حسی مولفه‌های مکان	غنای حس بینایی	غنای حس بویایی	غنای حس شنوایی	غنای حس چشایی	غنای حس لامسه یا بساوی
خصوصیات فیزیکی	- ترکیب غنی از فرم و محتوا - بکارگیری تباین فضایی (پر و خالی، روشن و تاریک، توده و فضا) - ایجاد پیچیدگی و لایه‌بندی - بهره‌گیری از رنگ - استفاده از مفاهیمی چون عمق و فاصله - بازی نور و سایه	- بهره‌گیری از گیاهان معطر - ایجاد زمینه برای کاربری‌های متنوع	- ایجاد بستر و امکانات صوتی - ایجاد سکاسک‌بندی و لایه‌های متنوع موسیقایی (آرام و بلند/ طبیعی و مصنوعی/ آوایی و غیرآوایی/ زیر و بم)	- آمیختگی حس چشایی با سایر حواس در مکانی یا خصوصیتی خاص (همچون ایجاد مزه‌ای ترش در پالایشگاه)	- بهره‌گیری از بافت و مترتال متنوع - استفاده از مصالح به شکل خام، پرداخت نشده و متخلخل جهت درگیری حس لامسه و قابل درک برای معلولان و نابینایان
فعالیت	- ایجاد و تعریف قرارگاه‌های رفتاری متنوع و پاتوق‌های متفاوت - بسترسازی فعالیت‌های گوناگون مختص گروه‌های سنی، جنسی و افراد با ویژگی‌های متفاوت	- ایجاد کاربری‌های متعدد و وابسته به رایحه‌های متنوع (همچون رایحه‌های متفاوت در راستاهای بازار) - درگیر کردن افراد با فعالیت‌های متنوع از طریق بکارگیری حسگرهای بویایی - رایحه درمانی/ عطر درمانی	- صدای فعالیت‌های جمعی - دوری از صداهای مزاحم و ایجاد صداهای دلنشین برای کاربران - صدای گروه‌های موسیقی	- برانگیختن حسگرهای چشایی از طریق حسگرهای بویایی از طریق کاربری‌های متنوع همچون اغذیه‌فروشی‌ها	- درگیری لامسه افراد در تجربه فعالیت‌های متنوع - استفاده از تضادهایی چون (سبک و سنگین/ سفت و نرم/ متخلخل و منسجم/ ایستا و متحرک/ گرم و سرد)
تصورات	- ارتباط با طبیعت و سبزیگی - بهره‌گیری از منظر سبز - بهره‌گیری از منظر آبی	- بکارگیری منظر بویایی - سنی براساس حافظه ذهنی مخاطبان - استفاده از خصوصیت تداعی ذهنی حس بویایی - همچون مکان‌های مذهبی و بازارها	- بهره‌گیری از صدای پرندگان - استفاده از صدای آب - همچون باغ ایرانی - صدای شاخ و برگ درختان - موسیقی سنتی - صدای اذان، زنگ و ناقوس‌ها	- بهره‌گیری از بوی خوراکی و اغذیه‌های هر محله و شهر - بهره‌گیری از بوهای خاطره‌انگیز همچون شب عید، ایام عزاداری ماه محرم و غیره - براساس بازه زمانی	- بهره‌گیری از مترتال‌هایی که در گذشته مورد استفاده بوده است همچون کاهگل - بهره‌گیری از تزئینات کنده‌کاری مطابق با حافظه کاربران - طراحی و اجزا داخلی و خارجی متناسب با ارگونومی بدن انسان

مراجع

۱. آزاده شاهچراغی. ۱۳۹۰. «باغ ایرانی و معماری تمرکز حواس». دو فصلنامه جستارهای شهرسازی. ۳۸-۴۲.
۲. آزاده شاهچراغی، و علیرضا بندرآباد. ۱۳۹۴. محاط در محیط. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
۳. آموس راپاپورت. ۱۳۸۴. معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی. ترجمه‌ی فرح حبیب. بی‌جا: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری
۴. استیون هال، یوهانی پلاسم، و آلبرتو پزگومز. ۱۳۹۴. پرسش‌های ادراک، پدیدارشناسی معماری. ترجمه‌ی مرتضی نیک فطرت، سیده صدیقه میرگذار، و احسان بی طرف. تهران: فکر نو.
۵. ای بن بنتلی، آلن الکک، پال مورین، سو مک گلین، و گراهام اسمیت. ۱۳۸۲. محیط‌های پاسخ‌ده: کتابی راهنما برای طراحان. ترجمه‌ی مصطفی بهزادفر. تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۶. جان ماتلاک. ۱۳۷۹. آشنایی با محیط و منظر. ترجمه‌ی معاونت آموزش و پژوهش سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران. تهران: سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران.
۷. جهان‌شاه پاکزاد، و حمیده بزرگ. ۱۳۹۱. الفبای روانشناسی محیط برای طراحان. تهران: آرمانشهر.
۸. دیوید کانتر. ۱۹۹۷. روانشناسی مکان. ترجمه‌ی امیری خواه. تهران: نشر فضا.

۹. روگ کورت گروتز. ۱۳۸۸. زیبایی شناسی در معماری. ترجمه‌ی جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی.
۱۰. رفیعیان، مجتبی، علی اکبر تقوایی، مسعود خادمی، و روجا علی پور. ۲۰۱۲. «بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری.» معماری و شهرسازی ایران. ۳ (۱). شناسه دیجیتال: http://www.isau.ir/article_۶۱۹۵۳.html. ۱۰.۳۰۴۷۵/۲۰۱۳۶۱۹۵۳.isau.
۱۱. زهرا صداقت. ۱۳۹۶. «سنجش غنای حسی فضاهای شهری: معرفی یک چارچوب تحلیلی.» ص. ۷۳-۸۸.
۱۲. سارا سوهانگیر، و محمدرضا نصیرسلامی. ۱۳۹۶. «ارتقا کیفیت طراحی فضاهای معماری، با به کارگیری مکانیسم‌های عملکردی حواس.» مدیریت شهری. ش. ۴۷: ۴۹۳-۵۰۴.
۱۳. ساناز حق شناس، مهناز محمودی زرنندی، و نسیم خانلو. ۱۳۹۹. «طراحی ایستگاه‌های حمل و نقل ریلی شهر تهران مبتنی بر معماری حواس (مطالعه موردی: ایستگاه‌های مترو تجریش، میدان ولیعصر، فرودگاه مهرآباد).» مطالعات محیطی هفت حصار. ش. ۳۲: ۶۱-۷۰.
۱۴. علی اکبر دهخدا. ۱۳۲۵. لغت نامه دهخدا. تهران: سازمان لغت نامه.
۱۵. علی دهکردی. ۱۳۹۰. «معرفی طرحها و مدلها در روش تحقیق آمیخته.» فصلنامه راهبرد. ۲۰ (۶۰): ۲۱۷-۲۳۴.
۱۶. علی مدنی پور. ۱۳۷۹. طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی. ترجمه‌ی فرهاد مرتضایی. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۱۷. کوین لینچ. ۱۳۷۲. سیمای شهر. ترجمه‌ی منوچهر مزین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. کریستیان نوربرگ شولتس. ۱۳۸۱. معماری: حضور، زبان و مکان. ترجمه‌ی سید علیرضا احمدیان. تهران: موسسه معمارنشر.
۱۹. لطفی، افسانه، و بهادر زمانی. ۱۳۹۳الف. «نقش مولفه‌های منظر حسی در کیفیت محورهای مجهز محلی (مطالعه موردی: محور علیقلی آقا در اصفهان).» مطالعات شهری. ۴ (۱۳): ۴۳-۵۶. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۲۶۸۳۰۰>. SID.
۲۰. «نقش مولفه‌های منظر حسی در کیفیت محورهای مجهز محلی (مطالعه موردی: محور علیقلی آقا در اصفهان).» مطالعات شهری. ۴ (۱۳): ۴۳-۵۶. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۲۶۸۳۰۰>. SID.
۲۱. لیندا گروت، و دیوید وانگ. ۱۳۸۹. روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه‌ی علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. موریس مرلوپوتی. ۱۳۹۱. جهان ادراک. ترجمه‌ی فرزاد جابراالانصار. بی‌جا: ققنوس
۲۳. محمود ایروانی، و محمدکریم خدایپناهی. ۱۳۷۱. روانشناسی احساس و ادراک. تهران: انتشارات سمت.
۲۴. محمدرضا شیرازی. ۱۳۸۹. «پدیدارشناسی در عمل.» مجله آرمانشهر. ۳ (۴): ۱۲۵-۱۳۳.
۲۵. محمدرضا شیرازی، و یوهانی پلاسما. ۱۳۹۱. نظریه‌پردازان معماری: معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پلاسما. بی‌جا: رخداد نو
۲۶. محمدکریم خدایپناهی، و محمود ایروانی. ۱۳۹۸. روانشناسی احساس و ادراک. بی‌جا: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
۲۷. مصطفی قلی پور گشینیانی. ۱۳۹۳. «نقش حواس غیردیداری در کیفیت فضای پیاده.» منظر. ۶ (۲۷): ۲۵-۲۰.
۲۸. مک اندرو، و فرانسیس تی. ۱۳۸۷. روانشناسی محیطی. ترجمه‌ی غلامرضا محمودی. تهران: زرباف اصل.
۲۹. نجلا حریری. ۱۳۹۰. اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۳۰. یاشار اصلانیان، حسین ذبیحی، و کمال رهبری منش. ۱۳۹۷. «تعیین اولویت حواس در ادراک ساکنان مجتمعهای مسکونی بررسی موردی: ساکنان بیش از دو سال چند مجتمع مسکونی در زنجان.» نامه معماری و شهرسازی. ش. ۲۱: ۲۳-۳۷.
۳۱. یوهانی پلاسما. ۱۳۹۳. چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی. ترجمه‌ی رامین قدس. تهران: پرهام نقش و گنج هنر.
۳۲. دست متفکر، حکمت وجود متجدد در معماری. ترجمه‌ی علی اکبری. تهران: نشر پرهام نقش.
۳۳. A. Johnson. ۲۰۰۹. «Visualisation Techniques, Human perception and The built Environment.» Built Environment. Research Papers. Built Environment Research Papers ۲ (۲): ۹۳-۱۰۳.
۳۴. Aldo Rossi. ۱۹۶۶. The Architecture of the City. Oppositions Books. . no place: MIT press Cambridge
۳۵. E Relp. ۱۹۷۶. Place and Pacealessness. . London: Pion.
۳۶. Isil Cakci Kaymaz. ۲۰۱۲. «Landscape perception.» Landscape planning. Landscape planning: ۲۵۱-۲۷۶.
۳۷. J Montgomery. ۱۹۹۸. «Making a city: Urbanity, vitality and urban design.» Urban Design. Urban Design ۱: ۹۳-۱۱۰.
۳۸. Jasmien Herssens and Ann Heylighen. ۲۰۱۲. «Haptic design research: A blind sense of space.» ۳۷۴-۳۸۲. no place: Research Centers Consortium (ARCC)
۳۹. JD Sime. ۱۹۸۶. «Creating places or designing spaces?» . Journal of Environmental Psychology. Journal of Environmental Psychology ۶ (۱): ۴۹-۶۳.
۴۰. John Meluso Jr. ۲۰۰۱. EyeTalk: Bridging from communication to connection. . California: Positive Living Inc.
۴۱. J.W Creswell and V.L Planto Clark. ۲۰۱۱. Designing and conducting mixed methods research (second ed.). . no place: SAGE
۴۲. kevin lynch. ۱۹۶۰. The image of the city. . no place: MIT press
۴۳. Lih-Rong Chiou. ۲۰۱۰. «The representation of Taiwan's aboriginal architectural heritage visual and non-visual presentation in cultural villages.»
۴۴. Magdalena Szczepańska, Agnieszka Wilkaniec, Daria Łabędzka and Joanna Micińska. ۲۰۱۲. «Non-visual perception of landscape-- use of hearing and other senses in the perception of selected spaces in the city of Pozna.» Urbanistyki i Studi. Urbanistyki i Studi: ۷۸-۷۹.
۴۵. Monica Montserrat Degen. ۲۰۰۸. Sensing Cities: Regenerating public life in Barcelona and Manchester. Paul Rodaway. ۲۰۰۲. Sensuous geographies: body, sense and place.
۴۶. Peter Howard, Lan Thompson and Emma Waterton. ۲۰۱۳. The Routledge Companion to Landscape Studies. . London: Routledge.